

به جای مقدمه

«پسرنامی دختران» و «دخترنامی پسران» پدیده‌ای متداول در اکثر فرهنگ‌ها و ملت‌های غربی و شرقی غیراسلامی است. این دو پدیده نوعی «خودجلوه‌گری» جنس مخالف برای هم‌نمایی و همانندسازی (از نظر ظاهر) با جنس مخالف است. طرفداران این پدیده‌ها را اغلب گروه‌های سنی جوان شامل می‌شوند چراکه جوانان دارای کنج‌کاو‌بهای خاص، تنوع‌گرایی و از همه مهمتر، دارای روحیه سرکش‌تری نسبت به سایر گروه‌های سنی جامعه می‌باشند.

«پسرنامی دختران» و «دخترنامی پسران» از دیرزمان در کشورهای صنعتی و پیشرفته وجود داشته و تنها با گذشت زمان و دگرگونی زمانه فقط «رنک» عوض می‌کند. گرایش جوانان به این دو پدیده در ابتدا زیبا می‌نماید و جلوه و دلبری دارد ولی رفته‌رفته و به مرور زمان تأثیرات مخرب آن هم در جوامع اسلامی و هم غیراسلامی نمود پیدا می‌کند. کارشناسان اجتماعی گرایش دختران را به پسرنامی مدموم می‌دانند و عقیده دارند این پدیده در کشورهای غیردینی از لحاظ روحی - روانی هم بر فرد و هم بر اجتماع مؤثر است و موجب سست کردن پایه‌های خانواده می‌گردد و در جوامع دینی علاوه بر آن، به دلیل اینکه مغایر با شئون اسلامی، فرهنگی و اعتقادی جامعه است، مخرب است. در جامعه غیردینی این‌طور جا افتاده که «پسرنامی دختران» در واقع همان تغییر لباس دختران و تغییر مدل موی سر آنان است به این‌گونه که به جای پوشیدن لباس‌های زنانه مثلاً از کت و شلوار و یا کاپشن شلوار و به جای برخورداری از

چشم‌اندازی به یک پدیده نوپیدا: دختران پسرنا، پسران دخترنا

• ابوالفضل بهنام



موهای بلند، این قبیل دختران موهایشان را به سبک مردان و پسران کوتاه کنند و در جامعه ظاهر شوند، درحالی‌که اصلاً این‌گونه نیست و به اعتراف مسؤولان سیاسی و مراکز دانشگاهی و تحقیقاتی این جوامع، پسرنامی دختران ناخواسته باعث تغییر نقش‌های اجتماعی شده و دخترانی که در آینده می‌بایست نقش مادران جامعه را به عهده بگیرند، به دلیل تغییر رفتارهای ظاهری که خود و محیط زندگی‌شان عامل آن می‌باشند، قادر نیستند نقش اصلی‌شان را در دوران زندگی ایفا کنند، علاوه بر آن، «دخترنامی پسران» نیز تأثیراتی مشابه پدیده قبل دارد، با این تفاوت که آثار فردی آن به مراتب کمتر از آثار مخرب اجتماعی‌اش می‌باشد.

دلایل گرایش جوانان به

«پسرنامی» یا «دخترنامی»

یکی از مسائل عمده که جوانان با آن روبرو می‌شوند، مسأله شکل‌گیری هویت فردی آنان است و این بدان معناست که آنها باید به سؤلهایی نظیر «من کیستم؟»

و «به کجا می‌روم؟» پاسخ بدهند. جستجوی هویت شخص مستمّن این است که فرد تشخیص دهد که برای او چه چیزهایی مهم و چه کارهایی ارزشمند است که وی براساس آنها بتواند رفتار خود و دیگران را هدایت و ارزیابی کند. اصولاً احساس عزت‌نفس در کودکان از نگرش والدینشان نسبت به آنها نشأت می‌گیرد. با ورود به دنیای وسیع‌تر دبیرستان، کودکان به صورت فزاینده‌ای به ارزش‌های گروه همسالان خود و همچنین به ارزیابی‌های



معلمان و سایر بزرگسالان بیشتر ارج می‌نهند. دکتر مهدی سالاری روانشناس و استاد دانشگاه می‌گوید: جوانان از راه جمع‌بندی ارزش‌های گروه همسالان و ارزیابی آنها می‌کوشند تصویر یکپارچه‌ای از خود به دست آورند. هراندازه ارزش‌هایی که از سوی والدین، معلمان و همسالان ابراز می‌شود، همخوانی بیشتری باهم داشته‌باشند، به همان نسبت کار هویت‌یابی جوانان آسان‌تر پیش می‌رود. به اعتقاد جامعه‌شناسان بسته به نوع جوامع و خانواده‌ها و نحوه تربیت فرزندان دختر و پسر ممکن است گرایش جوانان به جنس‌های مخالفشان دچار تغییر شود، به گونه‌ای که اگر خانواده‌ای «پدرسالار» باشد و جنس «مرد» حرف اول را در خانواده بزند، دختران آن خانواده دچار نوعی سرخورگی می‌شوند و اغلب سعی می‌کنند در رفتار، گفتار و حرکات خود از مردان جامعه تقلید کنند و برعکس در خانواده‌ای که «مادرسالاری» حاکم باشد و همه امور خانواده به تصمیمات مادر خانواده بستگی داشته‌باشد، در این‌جا پسران خانواده هستند که از نوعی احساس ضعف در خود رنج می‌برند. دکتر سعید مبینی، جامعه‌شناس و استاد دانشگاه می‌گوید: پسرها و دخترها برای آنکه سرنوشت زیستی‌شان را جامعه عمل ببوشانند، بایستی خودشان را با والدینشان «همانند» سازند و همانندی روندی حیاتی و مهم است، لذا اگر روابط بین والدین و کودکان مبتنی بر احترام و عشق و محبت باشد، همانندی به‌آسانی انجام می‌شود و این امر باعث می‌شود کودکان بتوانند نقش‌های جنسی‌شان را با نقش‌های جنسی والدینشان همانند

تمقیقات نشان داده در خانواده‌های امروزی نقش پدر و مادر کاهش یافته و به دلیل اینکه هر دو در خارج از منزل مشغول کارهایی می‌باشند که مرتبط با جنس آنها نیست و این فود فطری است که «نقش» یکی در دیگری آشکار می‌شود، این درحالی است که کودکان به پدر و مادری امتیاج دارند که هر یک «مردی» و «زنی» فود را به‌عنوان یک الگو و سرمشق در اختیار کودک فود قرار دهند. اگر والدین از دختران و پسران فود انتظارات نامعقول داشته‌باشند و در عمل هم به کودکان فود خواسته‌هایشان را اعمال کنند، در این صورت رفتارها جابجا خواهد شد به گونه‌ای که از پسرها رفتاری دخترانه و از دخترها رفتاری پسرانه سر می‌زند

شکوه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نمایند. الگوهای مادری و پدری از لحاظ زیستی مشخص و تعیین شده‌است. مشاهده می‌شود که در برخی از جوامع پدرها فقط به فرزندان پسر خود توجه می‌کنند و منزلت دخترها را به حساب نمی‌آورند و در جمع خانواده از مزیت و برتری داشتن پسر صحبت می‌کنند و از طریق پسر استمرار و تداوم خانواده را تعیین می‌کنند و برعکس در برخی جوامع، دختران اهمیت بیشتری دارند و به آنان بهای بیشتری داده می‌شود. تحقیقات نشان داده در خانواده‌های امروزی نقش پدر و مادر کاهش یافته و به دلیل اینکه هر دو در خارج از منزل مشغول کارهایی می‌باشند که مرتبط با جنس آنها نیست و این خود خطری است که «نقش» یکی در دیگری آشکار می‌شود، این درحالی است که کودکان به پدر و مادری احتیاج دارند که هر یک «مردی» و «زنی» خود را به‌عنوان یک الگو و سرمشق در اختیار کودک خود قرار دهند. اگر والدین از دختران و پسران خود انتظارات نامعقول داشته‌باشند و در عمل هم به کودکان خود خواسته‌هایشان را اعمال کنند، در این صورت رفتارها جابجا خواهد شد به گونه‌ای که از پسرها رفتاری دخترانه و از دخترها رفتاری پسرانه سر می‌زند و این امر تا به‌آنجا پیش می‌رود که پسرها و دخترها از داشتن اسامی پسرانه و دخترانه رنج می‌برند و حس می‌کنند که باید حتی اسمشان هم متضاد جنسشان باشد، والدین باید مراقب رفتار و برخورد خود با کودکان خویش باشند و انتظاراتی که از فرزندان دارند، متناسب با خواسته‌های جامعه باشد و نباید به دلیل اینکه از داشتن فرزند ذکور یا اناث بی‌بهره‌اند، نامهای دخترانه همچون



جامعه ظاهر شوند، مردم برای آنان ارزش بیشتری قائل می‌شوند و این درحالی است که آنان جنسیت زن بودن و مرد بودن خود را باور داشتند.

چند نمونه بارز ا

«عفت» دختری ۱۸ ساله است که به حرم «پسرنامی» توسط مأموران انتظامی مبارزه با مفاسد اجتماعی دستگیر شده‌است. وی می‌گوید: در خانواده ما چهار برادر وجود دارند و تنها من یکی دختر هستم، اما از آن‌جا که پدرم به داشتن فرزند پسر علاقه زیادی داشت، به من هیچ توجهی نمی‌کرد. هر وقت که بر اساس احساس و غریزه فرزند پدری به سوی او می‌رفتم، به شدت مرا از خود دور می‌کرد و مرا رنج می‌داد و حتی بعضی وقت‌ها مرا به باد کتک می‌گرفت و نفرینم می‌کرد تا اینکه تصمیم گرفتم از خانه فرار کنم. همان روز اول با پسری آشنا شدم و بعد از چند ساعت تفریح در شهر، او مرا به تغییر قیافه ترغیب کرد و به توصیه او موهایم را مدل پسرانه کوتاه کردم و لباس پسرانه پوشیدم. روزهای اول از خودم بدم می‌آمد تا اینکه به این وضع عادت کردم. همه‌جا باهم بودیم و کسی هم به من شک نمی‌کرد تا اینکه مأموران گشت به ما مظنون شدند و پس از دستگیری مشتم باز شد.

دو نوجوان ۱۵ و ۱۶ ساله به نامهای علی و حسن که به اتهام پوشیدن لباس‌های دخترانه در شهر توسط مأموران انتظامی دستگیر شده بودند، در بازجویی‌هایشان می‌گویند: با پوشیدن مانتو، شلوار و روسری و آرایش صورت و استفاده از عینک دودی و کفش دخترانه، خود را



روشنگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رساله علمی علوم انسانی

«اعظم» را برای پسرانشان و اسامی پسرانه همچون «عزت» را برای دخترانشان برگزینند. متخصصان ژنتیک نیز معتقدند: اغلب دختران و پسرای که نقش‌های متضاد جنس خود را در جامعه بروز می‌دهند، یا از نظر جنسی در وجود آنان «کروموزوم پسرانه» بیشتر است و یا «کروموزوم دخترانه» و یا اینکه این افراد دچار «بی‌هویتی» شده‌اند. هنگامی که با این دو پدیده در جامعه روبرو می‌شویم، باید با موضوع به صورت علمی برخورد کنیم و آن را ریشه‌یابی نماییم چراکه ممکن است این افراد از یک اختلال جنسی در رنج باشند. دکتر حسینی می‌گوید: زنی که هرگز احساس زنانگی نداشته‌باشد و یا در ارتباطات خود با همجنس‌هایش احساس مشابه آنان را ندارد، دچار اختلال جنسی است و برعکس مردی که قادر به بروز احساس مردانگی نیست و حالات و حرکات زنانه در او دیده می‌شود و مثلاً خود را بزک می‌کند، موهایش را رنگ می‌کند و دچار تضاد نقش‌هایش در جامعه می‌شود، در واقع بیمار است. وی می‌افزاید: تحقیقات روان‌شناسان مشهور همچون «جیمز لانگه، فروید و پیاز» در چندین سال پیش این امر را به اثبات رساند که هر فرد در سنین کودکی هر چه را ببیند، باور دارد و در زمان «حال» زندگی می‌کند اما بعد از این سن که دوران نوجوانی فرد شروع می‌شود و او در زمان «آینده» زندگی می‌کند یعنی در دسته‌ها و گروه‌های مختلف شرکت می‌کند یا تغییر قیافه می‌دهد و در جمع گروه‌های غیرهمجنس خود حضور می‌یابد. این افراد احساس می‌کنند که اگر در نقش متضاد خود در



به شکل دخترها درآورده بودیم تا به این طریق علاوه بر کسب «منزلت»!! از سرخوردگی های خویش بکاهیم و به این طریق با فریب جوانان پولدار از آنان اخاذی کنیم.

تأثیرات سوء «پسرنمایی دختران» و «دخترنمایی پسران»

بسیاری از صاحب نظران اعتقاد دارند که در حال حاضر، پاره ای از ضد هنجارها و رفتارهای مغایر با شوون جامعه اسلامی در واقع واکنش به تصمیم گیری های غیر مسؤولانه و بی توجهی هاست، اما این حقیقت را نیز نباید فراموش کنیم که تحلیل این پدیده ها در جامعه ای مثل ایران اسلامی، با وجود دشمنانی قسم خورده شکل های دیگری از گروه های ضد فرهنگ و ضد هنجار نیز در جامعه وجود دارند که این گروه های ضد فرهنگ به طور خودرو و دیمی به وجود نیامده اند. این در حالی است که غرب با هجمه فرهنگی و شبیخون فرهنگی خود سعی در از خود بیگانه کردن جوانان ما دارد. ناگفته نماند تاکنون بسیاری از الگوهای رفتاری و برخورد هایی که در حق جوانان و نوجوانان کشور روا داشته شده، تا حدودی غیر واقع بینانه بوده و برای این قشر فعال، پر حرارت و پر شور برنامه ریزی تربیتی، پرورشی، آموزشی و تفریحی لازم ارائه نشده است و همچنان بخش عمده ای از اوقات فراغت این نسل در بی بهره ترین شکل ممکن می گذرد!

آنچه مهم است، باید با این دو پدیده که مختل نظم عمومی، باعث سستی هنجارها و جایجایی نقش های جوانان جامعه می شود، به صورت ریشه ای در

قالب فرهنگی برخورد کرد و برخورد قهری با این پدیده کارساز نیست و دستگاه های مسؤول باید به خانواده درمانی دختران پسرنا و پسران دخترنا بپردازند. زن و مرد بر اساس جنسیتی که خلق شده اند، یک سری وظایفی دارند که عدول از این وظایف علاوه بر تأثیرات منفی فردی عوارض جمعی و اجتماعی هم در پی دارند بلکه کلیه دختران پسرنا و پسران دخترنا با این قبیل اقدامات نابخردانه خود نه تنها با آبروی خود و والدین خویش بازی می کنند، بلکه آنان باید بدانند در آینده در تشکیل کانون گرم خانواده، کسب موقعیت های شغلی و سایر امتیازات اجتماعی با مشکلات جدی روبرو می شوند. سرپرست مرکز بازپروری زنان «حریت» می گوید: بسته به نوع جرم، دختران پسرنا به زندان و یا این مرکز منتقل می شوند. وی می افزاید: از ابتدای سال جاری تاکنون حداقل ۱۰ دختر پسرنا به این مرکز منتقل شده اند. وی استفاده ناصحیح از ویدئو و وسایل ارتباطی را یکی از عوامل گرایش جوانان به تیپ های دخترانه یا پسرانه متضاد جنس خود ذکر می کند و یادآور می شود: مادران وظیفه سنگینی به عهده دارند و باید بیش از پیش به مسائل تربیتی دختران و پسران خود توجه داشته باشند و علاوه بر آن والدین باید مراقب دوست یابی فرزندان خود باشند.

به جای مقدمه :

با اندک تأملی اهمیت و ارزش کار مبلغان و تبلیغ دین، روشن می‌شود؛ چه آنکه رسانیدن پیام الهی به انسانها به ویژه جوانان، کار پیامبری است و سیراب نمودن فطرت‌های تشنه معرفت و خداجویی، از زلال جاری شریعت و سرچشمه پاک قرآن و سنت از سیخ حیات بخشیدن و زندگی دادن است.

رهای نسل جوان از تحیر و سرگردانی و مایه و سرمایه معنوی بخشیدن به آنها، از رهگذر دین الهی و پیام آسمانی، بزرگترین خدمت به جوانان و آینده‌سازان جامعه است. با این مقدمه کوتاه، بسی شایسته و بایسته است که از تمام عوامل مشروع و مؤثر و مثبت در تأثیرگذاری مبلغان و تأثیرپذیری نسل جوان کمک گرفته شود و از سویی دیگر از تمام عوامل مخرب و منفی و خشی‌کننده تبلیغ دین احتراز شود. و اینک به بررسی فشرده برخی از عوامل مؤثر و مثبت و عوامل بازدارنده می‌پردازیم.

عوامل مثبت و تأثیرگذار

اول، ایمان مبلغ و مؤمنانه بودن تبلیغ: قبل از هرچیز ایمان مکتبی مبلغ به مکتب و هدف، موجب می‌شود که سخن و پیامش از اعماق جاننش و سویدای دلش برخیزد و لاجرم چنین سخنی بر دل می‌نشیند و شنونده جوان را مخصوصاً که فطرتی پاک و خداجوی دارد، تحت تأثیر قرار می‌دهد. وقتی پیام دین با ایمان راسخ ادا و منتقل شود، نافذ باشد و آنگاه که ایمان شخص مبلغ در اخلاق و رفتارش تجلی کند و از او آیتی از دین بسازد، هم گفتارش بیشترین اثر را دارد و

بررسی عوامل تأثیرگذار مبلغان بر جوانان

● محمدرضا ذاکری

هم رفتارش بهترین تبلیغ دین خواهد بود که: کونوا دعاة الناس بغير السننکم ...

دوم، آگاهی مبلغ و حکیمانانه بودن تبلیغ: از شرایط تأثیر سخن، عالمانه بودن آن است، چه آنکه وقتی شنونده احساس کند، به سخن عالم و دانشمندی گوش فرا می‌دهد و از او بهره علمی می‌برد، پذیرندگی در او تقویت می‌شود و آنگاه که مبلغ سخن و پیامش مستند به کتاب خدا و سخن و سیره

معصومین علیهم‌السلام باشد و با قوت و قدرت علمی و اطلاعات وسیع و عمیق مذهبی سخن گوید، نسل جوان تشنه علم و معرفت با آن فطرت کمال جویی خویش تحت تأثیر پیام مبلغ دینی قرار می‌گیرند، از این رو، مبلغ دینی اگر بخواهد مؤثر در نسل جوان باشد، لازم است در ابعاد مختلف از آگاهی خوبی بهره‌مند باشد، از جمله:

۱. آگاهی از دین و معارف دینی و شناخت دقیق و وسیع شریعت و فقهات و فهم مستند دینی و آشنایی با اصول و فروع و اخلاق دین و شناخت تاریخ و



سیره معصومین (ع) و برنامه‌های فکری و اخلاقی و عملی اسلام.

فطری بودن مکتب وحی و کلام معصوم و القای صحیح آنها به نسل جوان زمینه بسیار مناسبی در جهت پذیرش و هدایت آنان است که حضرت رضا علیه‌السلام فرمودند: رحم الله عبدا احیا امرنا فقلت له و کیف یحیی امرکم؟ قال یتعلم علومنا و یعلمها الناس، فان الناس لو علموا محاسن کلامنا لا تبعونا ... (بحار ج ۲ ص ۳۰).



۲. آگاهی از شرایط سنی، تحصیلی، علمی و اجتماعی نسل جوان و درک نیازهای اصیل آنان و همچون طیبی دلسوز و حاذق و ستیاز باید در جهت بهداشت جان و روح آنان تلاش کرد و با رعایت میزان درک و نیاز و توان و علاقه آنان، مطالب مناسب و سازنده دین را ارائه کرد و می‌توان از طریق موضع‌گیریها، سوالات و پیشنهادات آنها و دوستی و رفاقت با آنها - در صورت لزوم و رعایت شرایط - از نیازها و مشکلات و خلأهای فکری و اخلاقی آنان آگاه شد و متناسب با آن اقدام کرد و معارف و حیانی را با رعایت مقتضیات در اختیار آنان قرار داد.

۳. آگاهی از شرایط محیطی تبلیغ و فضای آن، از نظر وسعت و تناسب هوا و سیستم صوتی و فرصت و علاقه و نشاط و استماع و نقطه مقابل امور پیش‌گفته که در بالابردن میزان تأثیر و کم‌کردن آن مؤثر است.

۴. آگاهی از سست‌کردن بنیان‌های فرهنگی - اعتقادی و تأثیر سوء آنها بر اندیشه و اخلاق نسل جوان و آگاهی از شیوه‌های خنثی‌کننده آنها و آماده‌کردن پادزهر تبلیغات سوء و توجه‌دادن نسل جوان به فرهنگ اصیل قرآنی و مکتبی.

سوم، خیرخواهی مبلغ و صادقانه‌بودن تبلیغ: مبلغ همچون پدری مهربان است که می‌خواهد نسلی سالم و صالح و برومند تربیت کند. او می‌خواهد براساس معیارهای مکتبی و رهنمودهای آسمانی دین نسلی آگاه و صادق و امین و شجاع و آزاده و پاکدامن و خدمتگزار بسازد و رسیدن به این اهداف دلسوزی و مهربانی و خیرخواهی می‌طلبد و آنگاه که نسل جوان احساس کرد که

مبلغ می‌خواهد او را در مسیر اهداف عالیّه انسانی یاری کند. با حسن‌ظن و اعتماد گوش فرا می‌دهد و ضریب پذیرش در او تقویت می‌شود.

چهارم، استمداد از خداوند و توسل به اولیای دین: مبلغ دینی یا دیگر مبلغان تفاوت دارد، او که می‌خواهد پیام الهی را تا اعماق اندیشه و جان انسانها گسترش دهد و کار پیامبری کند باید همانند موسی با زبان حال و مقال دست به دعا بردارد: رب اشرح لی صدری و یسر لی امری و احل عقده من لسانی یفقهوا قولی. چه آنکه دلها در تصرف اوست و او مقرب القلوب و منور القلوب است. و انک لا تهدی من أحببت و لکن الله یهدی من یشاء... و خداوند در کتاب مجیدش وعده فرموده: ان تنصروا الله ینصرکم... و آنکه در صدد ارشاد نسل جوان به دین حق باشد و از خداوند استمداد کند، خداوند در گفتار و رفتارش تأثیری می‌بخشد که دلها و قلبها را الهی سازد و در صدر اسلام بهترین نمونه پیامبر گرامی اسلام و در تاریخ معاصر امام راحل قدس سره می‌باشند که چگونه نسل جوان را به دین الهی دعوت نمودند و آنها پذیرفتند.

پنجم، بهره‌برداری از عوامل مشروع و مؤثر و مورد علاقه نسل جوان: هرچند هدف مبلغ مقدس و محتوای تبلیغش باید پیام مکتب باشد ولیکن بهره‌برداری از شیوه‌های جدید و مشروع و رعایت نیازها و شرایط جدید در تأثیرگذاری و تأثیرپذیری یسی مؤثر است که تبلیغ صحیح یک هنر است و در این مسیر از عوامل متعددی می‌توان کمک گرفت از جمله:

۱. آراستگی ظاهری از نظر چهره،



نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



احساس کنند، این خود از عوامل مهمه منفی در تبلیغات و تأثیر کلام را گاهی به صفر و زیر صفر می‌رساند و چه بسا بدآموزی شدیدی خواهد داشت که قابل جبران نباشد و نیز بدخواهان سوژه‌های فراوان از آن درست می‌کنند.

۲. ضعف آگاهی مکتبی و ارائه چهره‌ای ناموزون و غیرفطری و غیرمنطقی از مکتب که چه بسا موجب تزلزل اعتقادی و اخلاقی مخاطب شود.
۳. ضعف آگاهی نسبت به مخاطب و رعایت نکردن شرایط سنی، تحصیلی، محیطی و روانی مخاطب.

۴. ضعف آگاهی از شرایط تبلیغ و شیوه‌های مؤثر آن چه آنکه به فرموده قرآن: «اتوا البیوت من ابوابها...» و تبلیغ هر کالایی شیوه خاصی دارد و تبلیغ دین خدا که بزرگترین مایه سعادت است نیز شیوه خاص خود را دارد و بایسته است که شرایط و زمینه‌ها را فراهم و از بهترین شیوه مشروع بهره‌برداری کرد.

۵. ضعف آگاهی از توطئه‌های تبلیغی دشمنان. بی‌تردید تبلیغ صحیح دین در میان قشر وسیع نسل جوان یک جبهه بزرگ و فرهنگی است که دشمنان در مقابل آن سدهای فراوانی ایجاد کرده و می‌کنند، شناخت و موانع و مبارزه با آنها از عوامل مؤثر در تبلیغ و بی‌توجهی به آنها موجب شکست یا خنثی شدن کار در جبهه تبلیغی خواهد بود.

ششم. خصلت‌های شخصیتی منفی: هرچند در حدیث علوی است که: انظر الی ما قال و لا تنظر الی من قال و این سخن متین، مصادیق فراوانی می‌تواند داشته باشد و در مقام اخذ مسائل علمی همین‌طور است و نیز افراد قوی و

لباس و متانت در گفتار.

۲. حرکات سنجیده دست و نگاه و توجه به مخاطب.

۳. فصاحت در گفتار و زیبایی سخن و انتخاب کلمات دلنشین.

۴. توجه بیشتر به قهرمانان مثبت در تاریخ، در اخلاق، در عبادت، در علم، در خدمت به خلق؛ چه آنکه جوان، قهرمانجو و الگوطلب است.

۵. مشارکت دادن جوانان در بحث در شکل و شیوه‌های مختلف.

۶. احترام گذاشتن به شخصیت جوان از طریق سلام کردن، گوش دادن به سخن او و طرف مشاوره قرار دادن، تواضع و ...

۷. ترتیب دادن اردوهای تفریحی، آموزشی، تحقیقاتی و استفاده از فرصت‌های به دست آمده و آمادگی‌های ذهنی و روحی آنان.

۸. تنوع در کلام و آهنگ آن و استفاده از ضرب‌المثلها، اشعار و لطایف و ...

۹. ایجاد انگیزه از طریق جانداختن اهمیت مطلب، حقیقت‌داری بودن، مصلحت‌داشتن و پاداش الهی که بر نتایج علمی و عملی سخن مترتب است.

عوامل منفی و بازدارنده

شناخت موانع و عوامل بازدارنده و مبارزه با آنها از عوامل موفقیت در هر کاری از جمله تبلیغ دین است و در این بخش از نوشتار به پاره‌ای از آنها اشاره می‌شود، باشد که تذکارش مفید افتد.

۱. ضعف ایمان، که جلوه‌های آن در سوءاخلاق و رفتار شخص مشخص می‌شود و هرگاه نسل جوان علائم سستی در اعتقاد و سوءاخلاق و رفتاری در مبلغ

آگاه که می‌توانند بین سخن و گوینده آن تفکیک کنند، مشکلی ندارند و لکن چون مبلغ با عامه مردم و نسل جوان تماس دارد و تنها معلم نیست که می‌بایست مرتبی هم باشد، قطعاً خصلت‌های منفی او از عوامل بازدارنده و خنثی کننده تبلیغات او خواهد شد و اگر رفتار و اخلاقیات مبلغ همراه با نوعی غرور علمی و یا حب جاه و مقام باشد و در مقام اثبات برتری خویش و تحقیر دیگران برآید و حتی بی‌توجهی به وضع ظاهری لباس و حرکاتش می‌تواند اثر منفی داشته باشد و در پایان، سخن حکیمانه فرمانروای مؤمنان، علی علیه السلام که فرمانروای سخن نیز می‌باشد، به‌عنوان «ختامه مسک» شایسته است نصب العین عموم مبلغان مکتب نبوی (ص) و سیره علوی (ع) باشد: من نصب نفسه للناس اماما فلیندأ بتعلیم نفسه قبل تعلیم غیره و لیکن تأدیهه بسیرته قبل تأدیهه بلسانه و معلم نفسه و مؤدیهها احق بالاجلال من معلم الناس و مؤدیههم.

«نهج البلاغه - حکمت ۷۴»